



یادداشت سردبیر: آفت خطرناک برای دستگاه قضایی تسلط ضابطین بر قضاات است

پدیدآورنده (ها) : آوایی، سید علیرضا

حقوق :: نشریه قضاوت :: آذر و دی ۱۳۸۶ - شماره ۴۸

صفحات : از ۵ تا ۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/335170>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- یادداشت سردبیر: امیر قلم خود باشیم (به بهانه آغاز بهار که خود بهانه ای است برای آغاز)
- یادداشت سردبیر: به بهانه انتشار کتاب نقد رویه قضایی / آنچه به قانون شرافت عطا می کند هنر و تدبیر قاضی است
- یادداشت سردبیر: راهی برای یکسانی رویه محاکم (انتشار آراء قضات)
- تحولات دیوان قضایی و تأثیر آن بر وضعیت و جایگاه قضات؛ از اوایل خلافت عباسی تا تسلط آل بویه بر بغداد (۳۳۴-۱۳۲ ق)
- یادداشت سردبیر؛ انسان همیشه در سفر است؛ رهاورد بهار برای مشاوران
- یادداشت سردبیر: بازسازی حرمت دستگاه قضایی
- ارزیابی و امکان سنجی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی با تأکید بر حقوق ایران
- یادداشت: مقدمه انتشار جلد دهم کتاب مجموعه دیدگاه های حقوقی و قضایی و مروری بر برگزیده قوانین سال ۸۸ / محمد وجدانی قاضی مجتهدی که رضا شاه را محکوم کرد
- یادداشت سردبیر؛ بر بال سرمایه ها
- وظایف حمایتی دستگاه قضایی در پیشگیری از آسیب های شغلی قضات در ایران

سیدعلیرضا آوایی، ریاست دادگستری استان تهران

آفت خطرناک برای دستگاه قضایی تسلط ضابطین بر قضات است

به گونه‌ای دیگر است. یک دفعه احساس می‌کند خبری است. آن وقت درست نمودن وی کار سختی است. اگر در این دوران تربیت نشود و اگر در بحث ادب، تواضع، حسن خلق تأکید نشود نیروی طاغی، متبکر و مغرور، محصول کار ما می‌باشد. زمینه‌های قدرت‌طلبی و نام‌جویی در این دستگاه زیاد است اما از مباحث اخلاقی و تنبیهات خبری نیست به‌همین دلیل بزرگان تعبیر به «تازیانه‌های سنوک» نموده‌اند و گفته‌اند که به خودتان شلاق بزنید یا دیگران به شما شلاق بزنند که انسان از مستی بیفتند.

تقویت روحیه ضد ظلم و عادی نشدن مشکلات مردم در نظر قضات جوان از اوجب واجبات است. مثلاً اگر روزی یکی از مردم آمد و گفت: ماشینم را برده‌اند، بجهام ترسیده... قاضی نگوید: برو خدا را شکر کن، خودت را نکشته‌اند و با لحنی بگوید که دزدی زیاد است که در این صورت فرد احساس می‌کند که بیخودی مراجعه کرده است. چرا که گوش شنوا نیست، غیرتی نیست. اینگونه شیوه بعد از مدت‌ها عادی شده و حساسیت‌ها از بین می‌رود و ظلم بار شده بر مردم را به رسمیت می‌شناسند. لذا بایستی تمرین کنند تا این انگیزه‌های کاری از روز اول تا روز آخر ۳۰ سال یکی باشد.

مطلب دیگر عدم ثبات دستگاه قضایی است. تکلیف مردم با حکومت مشخص می‌باشد. حکومتی پایدار است که رفتارشان قابل پیش‌بینی باشد. در دستگاه قضایی، بایستی تکلیف مردم با آن مشخص باشد. قاضی باید به قرار خودش احترام بگذارد. مردم، روابطشان را با چه مبنایی با ما تنظیم کنند؟ غیر از این قوانین که عهد ما با مردم است، چه چیزی باعث تنظیم این روابط می‌شود؟

فی‌المثل علاقه‌مند است که قرار سنگینی صادر کند بر چه مبنایی؟ دیگری قرار سبک‌تری و بر مبنای میلش صادر می‌کند، همان قراری را که خودش صادر می‌کند نمی‌پذیرد، تا کسی به او زنگ بزنند. این چه فرهنگ و روحیه‌ای است؟ مردم با ما

آنچه در پی می‌آید سخنان رئیس کل دادگستری استان تهران، جناب آقای آوایی، است که در نشست سرپرستان شعب کارآموزی ارائه شده است:

مهمترین آموزش شما به عزیزان کارآموز بایستی آموزش تهذیب نفس و تزکیه اخلاقی باشد تا سرنوشت مردم را به دست تعدادی «آدم» بسپاریم. «آدم» با آن توفهائی که در حکومت اسلامی از قضات دارند. این یک امر نسبی و کار سختی است.

ما همه بحرالعلوم (ره) می‌فرمایند: من ۱۵ سال مجاهده نفس کردم و موفق شدم صفت ریا را از خود دور کنم. تا نفس «مزکی» نشود کاری پیش نمی‌رود. بعضی از بزرگان در تأثیر این قضیه معتقدند: رأی ۲ قاضی در یک موضوع خاص (رأی مشابه)، رأی قاضینی که مزکی است تأثیر اجتماعی بیشتری نسبت به قاضینی که هنوز به این مرحله نرسیده است دارد. نفس، روحیات، قلم، قدم و صحبت آدمه‌های تربیت شده، محیط اطراف را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بکنه دیگر القای روحیه شجاعت به قضات است. قضات احساس ناامنی می‌کنند. حتما ریشه‌هایی دارد اما با تعدادی قاضی ترسو نمی‌توان مملکت را اداره کرد لذا بایستی روحیه شجاعت را آنقدر تلقین و تزریق کنیم که زمینه‌های ترس و خوف را به حداقل برسانیم. یکی از آفات دستگاه‌های ما همین است که اگر چه انسان باسواد و مسلمان باشد اما اگر از دست به قلم شدن بترسد و همه جوانب را ببیند، لا حق را، با این روحیه کار قضائی محقق نمی‌شود. بدیهی است که بخشی از آن دست ماست و بخشی به خلقیات افراد برمی‌گردد و برخی دیگر مربوط به فضای کل کشور است.

لازم است به بخشی که مربوط به ما می‌باشد اهتمام داشته باشیم. نکته دیگر تقویت روحیه استقلال در همکاران قضائی است. یعنی بدانند که واقعاً مستقل بوده و بایستی خودشان تصمیم بگیرند. نکته دیگر بحث نظم و انضباط است. در کشور ما بحث نظم و انضباط در بسیاری از رده‌ها جا نیفتاده است. جلسات مهم را با تأخیر برگزار می‌کنند. و قتهای تعیین شده رسیدگی را با تأخیر انجام می‌دهند و فرد دائماً بیرون از محل کار خود رفته و رئیس دفترش هم نمی‌داند که کجا رفته و چه زمانی می‌آید.

انسانی به منظمی آیت‌الله شفیعی (رئیس وقت دادگستری خوزستان) ندیدم، یک مرد وارسته، زاهد، درس خارج گو، در آن دوران من دادستان بودم، زنگ می‌زد و می‌گفت: ربع ساعت بیایم پیش شما اجازه هست؟ وقت دارید؟ و من می‌گفتم: تشریف بیاورید. گاهی اوقات به دلیل نبود تلفن همراه... نمی‌رسید که به من زنگ بزنند و راننده‌اش در می‌زد و می‌گفت حاج آقا می‌گویند من وقت قبلی نگرفتم، اجازه هست بیایم داخل؟ از ایشان می‌پرسیدم: ظهرها در فصل تابستان آهواز چقدر می‌جوئید؟ می‌گفت: هشت دقیقه به ایشان گفتم: قبل از کلاس درس خارج چقدر مطالعه می‌کنید؟ می‌گفتند یک ساعت و نیم هر روز. همه چیزش منظم.

در مسجد از امورات دادگستری سؤال می‌کردند می‌گفت بیایید در دادگستری. در دادگستری هم اگر مسأله شرعی می‌پرسیدند. می‌گفت: بیایید در مسجد. البته بعضی از همکاران از این همه نظم خسته شده بودند ولی حق به جانب او بود و ما بایستی خودمان را به آن حد می‌رساندیم.

جوانهائی که برای کارآموزی در اختیار شما هستند اگر این فضا را از شما نسازید اولیةشان ببینند در تکوین شخصیت آنها بسیار مؤثر خواهند بود. نکته دیگر که جزء مسائل مهم است و بایستی با عمل و گفتار آموزش ببینند، حسن خلق، ادب و تواضع است. یکی از قضات جوان ما در یکی از شهرها، می‌گفت: نیروی انتظامی در صحبت با من صدایشان می‌لرزد و من از این موضوع لذت می‌برم. سن، سن مستی است. هم مست قدرت و هم مست علم از این جهات بایستی خیلی روی بین دوستان کار کرد. طرف از دانشگاه آمده، به او احترام نظامی می‌گذارند. به آن التماس می‌کنند، هدیه برایش می‌آورند و فامیلهایش طرز رفتارشان با وی





چه کنند؟ با قاضی که سلیقه‌ای عمل می‌کند به چه کسی پناه ببرند؟!
لذا بایستی قرار مناسب صادر شود و وقتی که صادر شد بپذیرد ولو اینکه خلاف میل باطنیش باشد. اگر جناب قاضی اعتقادات به تشدید است قرار بازداشت موقت صادر کن سرگردان نمودن مردم، بلانکلیف گذاشتن آنها، شأن دستگاه ما نیست. اما ۳۰ سال است که از انقلاب می‌گذرد و لذا همه چیز این حکومت بایستی قابل پیش‌بینی باشد. یکسری بناهای غلطی که گذاشته می‌شود، متدینین هم احساس ناامنی می‌کنند نه تکلیف مجرمین مشخص است و نه تکلیف دیندار و انقلابی. اگر ضد انقلاب بدانند که فلان کار را انجام دهد مجازاتش اعدام است و قرارش هم بازداشت موقت است و انقلابی و دیندار هم بدانند که تا دلایلی نداشته باشیم احضارش نمی‌کنیم، دیگر هر کسی حساب و کتاب خودش را با این دستگاه می‌داند. آفت دیگر دستگاه قضائی، تسلط ضابطین بر قضات می‌باشد. یعنی قاضی بشود ضابط، در این صورت قاضی بایستی بر اساس فشارهای روانی، فضاهای اجتماعی و تبلیغاتی قضاوت کند.

دوستان ما بایستی باور کنند که نه بنده، نه رئیس قوه قضائیه، نه مقام معظم رهبری و نه همه این عالم اگر خلاف کنند - به خاطر خوشامد یا بدآمد نه تنها برای شب اول قبر و قیامتشان نمی‌توانیم کاری بکنیم بلکه در دنیا هم نمی‌توانیم. ما بایستی با خدا معامله کنیم. اصل توکل است. کسی از ما نخواست که به خاطر نظام خلاف شرع کنیم! چه کسی از ما خواسته است که به غیر از قانون به چیز دیگری عمل کنیم؟ هیچ‌کس از ما غیر از شرع و قانون را نمی‌خواهد. چه کسی مسئولیت قیامتی زندان رفتن و بی‌آبرویی مردم را می‌پذیرد؟ گاهی وقتها بعضی از مسائل توهم است و بعضیها به خاطر عدم اطلاع قضات اگر این روحیه را بپذیرند این نظام ماندگار است و مردم به حکومت و به دستگاه قضائی اعتماد پیدا خواهند نمود. اگر مردم از سیستم قضائی کشور مأیوس شوند از کل حکومت مأیوس خواهند شد. ما حکومتی می‌خواهیم که عادل بوده و قضات مستقل داشته باشد. قاضی ضعیف‌النفس، پایه‌های حکومت را می‌لرزاند. رفتاری که روحیه قاضی را تضعیف می‌کند، نبایستی در قوه قضائیه اتفاق بیفتد، اگر اتفاق افتاد، نبایستی به آن اعتنا کنیم. کدام قدرت در این عالم بالاتر از خداست؟ چه کسی گفته: رزاق ما اشخاص هستند و عزت ما دست بندگان خداست؟ همه چیز دست خودش است اگر به این اتکا کنیم، خداوند رابطه‌مان را با مردم اصلاح خواهد کرد. آخر عرض اینک همکاران روحیه بدهکاری به انقلاب را در خود تقویت کنند. امام (ره) با آن عظمتش می‌گفت: «از مردم عذر می‌خواهم اگر در انجام وظیفه کوتاهی کردم» این تکلیف ما را روشن می‌کند. من و شما و ما جدای از نظام نیستیم ما در انقلاب مهمان نیستیم بلکه صاحبخانه‌ایم. صحبت دیگرم که حیثیت می‌آید زده نشود این است: در اوایل کار ابوی من نصیحتی کرد که خیلی کاربردی بود. گفت: من توصیه نمی‌کنم عرق خورها را شلاق نزنید نمی‌گویم که برخورد نکنید، بلکه دو نکته مد نظر تان باشد:

۱- احتمال بده که این شراخورها توبه کنند و در آن عالم به مقاماتی برسند که تو دست به دامان آنها شوی؛ لذا حد خدا را بر آنها جاری کن ولی اهانت نکن معلوم نیست که آخر و عاقبت ما و دیگران چه خواهد شد؟
۲- در معارف ما هست که اولیای خدا گفته‌اند: من در میان بنده‌های خدا هستم، گاهی اوقات که سلام این بندگان را درست جواب نمی‌دهید اینها نفرین نمی‌کنند بلکه شکستن دل آنها زندگی انسان را کن‌فیکون می‌کند لذا همه بندگان خدا را احترام کن، احساس نکنی که شخصیتی پیدا کردی و از بقیه بالاتری. سپس ادامه داد که حدود ۵۰ سال پیش آیت‌الله طیب در اهواز نمی‌گذاشت کسی دست وی را بپوسد، یکی از مأمومین با آقا دعواش شد که چرا دست خود را کنار می‌کنی آن بزرگوار به گریه افتاد و گفت اگر آن طرف تو اهل نجات شدی و من نشدم با این رسوایی چه کنم؟ بزرگان این توجهات را داشتند و دیگران را بهتر از خودشان می‌دانستند اگر این مبانی اخلاقی را در خودمان تقویت کنیم اثرگذار است. اگر دستگاه قضائی، دستگاه قضائی اعتقادی، عادلانه و صادقانه باشد، آن وقت خواهید دید که چقدر این اعتمادهای آسیب‌دیده ترمیم خواهد شد. خداوند عاقبت همه ما ختم به خیر بگردان. کمک کن تا بتوانیم از این توفیقی که برای خدمت به نظام به دستمان رسیده به نحو خوبی استفاده کنیم و دچار وسوسه‌ها و دنیاطلبی‌ها نشویم.

یا رب به علی‌این ابیطالب (ع) و آل / آن شیر خداوند جهان جل جلال
کاندر سه مکان رسی به فریاد همی / اندر دم نزع و قبر و هنگام سوال
والسلام